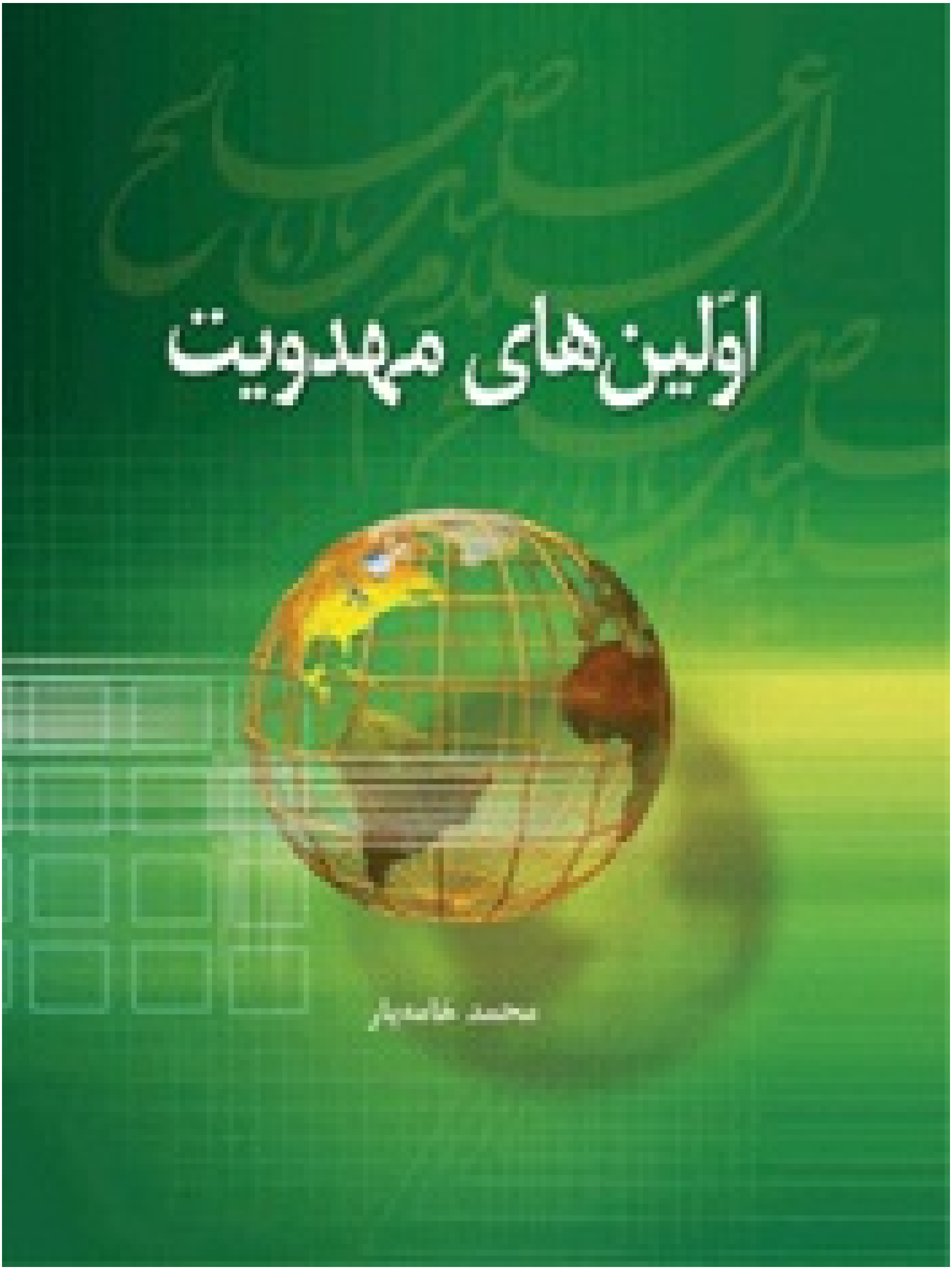

اوّلین‌های مهدویت
محمد خامه‌یار

بسم الله الرحمن الرحیم

اولین های مهدویت

نویسنده:

محمد خامه یار

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اوّلین های مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه : خامه یار، محمد، ۱۳۴۲ - عنوان و نام پدیدآور : اولین های مهدویت/ محمد خامه یار. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری : ۷۲ص.؛ ۱۰ × ۵/۲۱ س م. شابک : ۴۵۰۰ ریال ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۲۹۰-۹ : وضعیت فهرست نویسی : سبرون سپاری یادداشت : کتابنامه: ص. [۷۶] - ۹۶؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - موضوع : مهدویت رده بندی کنگره : ۱۵PB /خ۴۲الف ۹ ۶۸۳۱ رده بندی دیویی : ۹۵۹/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۷۶۰۳۱

به جای مقدمه

این نوشتار حداقل تلاشی است برای آشنایی اجمالی با موضوع مهدویت، هر چند موضوع مهدویّت دارای ابعاد گسترده ای است که بزرگان و عالمان مکتب تشیّع در جهت روشن نمودن زوایای آن تلاش زیادی را مبذول کرده اند. این مجموعه کوچک، سعی در شناساندن یک بُعد از ابعاد زندگی حضرت ولی عصرعلیه السلام را دارد که آشنایی با این بُعد شاید سرآغازی باشد برای آشنایی بیشتر با شخصیت حضرت مهدی علیه السلام و موضوع غیبت، ظهور، انتظار، رجعت، امام شناسی و همه ابعاد زندگی آن حضرت.

اوّلین های مهدویّت می تواند در نسل جوان انگیزه ای را به وجود آورد برای تعمّق و آگاهی بخشیدن به موضوع امام شناسی و آشنایی اجمالی با تاریخ زندگی امام بزرگواری که جهان تشنه عدالت او خواهد بود.

امید است این کتاب ناچیز که از لابه لای اسناد تاریخی زندگی آن حضرت گلچین شده است مورد عنایت آن ذخیره عالم هستی قرار بگیرد. هر چند که توفیق تدوین این مجموعه را مرهون لطف بی کران آن حضرت می دانم.

بی شک تکمیل کاستی های این مجموعه با عنایت شما خوانندگان محترم تحقق خواهد یافت.

محمّد خامه یار

زمستان ۱۳۸۵

اوّلین استیفای حق

امام صادق علیه السلام می فرماید که در شب معراج به رسول اکرم صلی الله علیه وآله گفتند: اوّلین چیزی که در روز قیامت در محکمه عدل الهی رسیدگی می شود، پرونده قتل محسن بن علی علیه السلام و قاتل او خواهد بود. قنفذ و رفیق او را می آورند و با تازیانه هایی از آتش بر آن ها نواخته می شود که اگر یک ضربت آن بر اقیانوس فرود آید آب اقیانوس از شرق تا غرب به جوش می آید و اگر یکی از آن ها بر کوه های دنیا فرود آید کوه ها ذوب می شوند و به خاکستر تبدیل می شوند.

(۱)

به

طوری که اوّلین پرونده ای که در دادگاه عدل الهی مورد بررسی قرار می گیرد، پرونده شهادت حضرت محسن بن علی علیهما السلام است. در حکومت الهی حضرت مهدی علیه السلام اوّلین حقی که استیفا می شود خون به ناحقّ ریخته حضرت محسن است که از قاتلین خون آشام بد فرجام گرفته می شود.

اوّلین اقدام امام پس از ظهور

از اوّلین اقدامات امام مهدی علیه السلام خراب کردن سقف مساجد است. شیخ طوسی از امام باقرعلیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:(اوّلین کاری که قائم ما به آن آغاز می کند سقف مساجد است، آن ها را خراب می کند و فرمان می دهد سایه بانی چون سایه بان حضرت موسی بر آن ها بنا کنند.(۲)

شیخ طوسی همچنین از بشیر از امام سجادعلیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

بشیر! آیا می دانی اوّلین کاری که قائم علیه السلام بدان اقدام می کند چیست؟

عرض کرد: خیر.

فرمود: آن دو را بیرون می آورد و هر دو را آتش می زند سپس خاکستر آن دو را به باد پراکنده می کند و سقف مسجد پیغمبر را خراب می کند. سپس فرمود: همانا رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: در مسجد سایه بانی چون سایه بان برادرم موسی باشد.

و فرمود: جلوی مسجد رسول خداصلی الله علیه وآله سقف گلی و دو طرف آن چوب خرما بود.(۳)

اوّلین اقدام امام در انطاکیه

امام باقرعلیه السلام فرمود: اوّلین کاری که قائم علیه السلام در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است. همچنین آن حضرت فرمود: مهدی تورات و دیگر کتاب های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد.(۴)

انطاکیه کنونی در جنوب ترکیه بر رود اورونتس، نهر عاصی، ۲۲ کیلومتری ساحل مدیترانه قرار دارد و فقط قسمت

کوچکی از انطاکیه قدیم را اشغال کرده است. از شهر قدیم، باروها، آبراه، تئاتر و قلعه ای باقی است.(۵)

انطاکیه برای مسیحیان مانند مدینه برای مسلمانان است. آنجا پس از بیت المقدس به عنوان دوّمین شهر مذهبی مسیحیان به حساب می آید؛ چرا که حضرت مسیح دعوت خود را از بیت المقدس آغاز نمود و بعدها گروهی از ایمان آورندگان به او، به انطاکیه هجرت کردند. «پولس» و «برنابا» به آن شهر رفتند و مردم را به این آیین فراخواندند و از آنجا دین مسیح علیه السلام گسترش یافت. شاید ذکر انطاکیه در روایات مهدوی، وجود رابطه تنگاتنگ میان حضرت مهدی علیه السلام و حضرت مسیح علیه السلام است.(۶)

اوّلین برنامه حضرت

طبق بعضی از روایات، نخستین برنامه ای که حضرت آغاز می کند، این است که دست طایفه بنی شیبه را قطع می کند و بالای کعبه می آویزد و منادی آن حضرت ندا می کند: اینان دزدان (اموال) خدا هستند.(۷)

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نخستین برنامه حضرت این گونه آمده است که: در سراسر جهان اعلام می کند: توجه کنید! اگر نزد احدی از شیعیان ما قرضی هست تذکر دهد، حتی یک دانه سیر و خردل کوچک تا این که آن را ادا کند؛ چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک.(۸)

(اوّلین)هایی که در این گونه روایات آمده است یا (اوّل) نسبی است نه حقیقی؛ یعنی کارهایی که همان اوائل ظهور انجام می دهد، نسبت به کارهای بعدی؛ و یا مراد از «اوّل» اوّلیت در بُعد خاصی است. مثلاً اوّلین کار در بُعد اجتماعی، دست دزدان را قطع کردن و در بُعد اقتصادی مثلاً پرداخت دیون شیعه است.

اوّلین بیعت کننده با امام

از روایات چنین استفاده می شود که اوّلین کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت کرده و به دست مبارک آن جناب بوسه می زند، حضرت جبرئیل امین فرشته مقرّب الهی است.

مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «آن گاه که خداوند به حضرت قائم اجازه خروج می دهد، آن حضرت به منبر می رود، پس مردم را به سوی خویش دعوت کند و به خداوند سوگندشان دهد و به حق خویش، آن ها را بخواند و بین ایشان به روش رسول خداصلی الله علیه وآله رفتار کرده و به کردار آن حضرت عمل کند. آن گاه خداوند جبرئیل را می فرستد تا نزد او بیاید، جبرئیل در حجر اسماعیل نزد آن حضرت می آید و می گوید: به چه چیز، مردم

را می خوانی؟ حضرت قائم علیه السلام دعوت خود را به او خبر می دهد. جبرئیل می گوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می نمایم، دست خویش را برای بیعت باز کن. پس دست به دست آن حضرت می گذارد و متجاوز از ۳۱۰ مرد نزد او آمده و با او بیعت نمایند و در مکّه می ماند تا یارانش به ده هزار نفر برسد، سپس از آنجا به مدینه رهسپار گردد.»(۹)

و نیز وارد شده که: حضرت قائم علیه السلام پشت به حرم - خانه کعبه می دهد و دست خود را دراز می کند مثل دست موسی... آن گاه می فرماید: این دست خداست و از جانب خداست و به امر خدا کشیده شد، و این آیه را تلاوت می کند: «اِنَّ الَّذِینَ یُبایِعُونَکَ اِنَّما یُبایِعُونَ اللَّهَ یَدُاللَّهِ فَوْقَ اَیْدِیهِمْ، فَمَنْ نَکَثَ فَاِنَّما یَنکُثُ عَلی نَفْسِهِ...»(۱۰)،(۱۱)

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا اوّل کسی که با قائم علیه السلام بیعت می کند جبرئیل است...».

طبرسی از ابی عبداللَّه علیه السلام نقل کرده که در حدیثی فرمود: «...پس خداوند عزّوجل جبرئیل را می فرستد تا نزد او آمده و سؤال کند، به او می گوید: به چه چیزی دعوت می کنی؟ قائم او را از ماهیت دعوت خبر می دهد. جبرئیل می گوید: پس من اوّل کسی هستم که با تو بیعت می کنم. آن گاه می گوید: کف دستت را بده، و آن را بر دست خود مسح می کند...»(۱۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: اوّلین کسی که با قائم علیه السلام بیعت کند جبرئیل علیه السلام خواهد بود که به صورت مرغی سفید نازل شده و با آن حضرت بیعت می کند.(۱۳)

اوّلین پرچم امام

امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین پرچمی که حضرت مهدی علیه السلام ترتیب می دهد، پرچمی است

که به سوی ترک ها می فرستد. آنچه از اسیران و اموال مسلمین در دست آن ها باشد می گیرد. آنگاه – جهت دفع شرّ سفیانی – به سوی شام می رود و آنجا را فتح کرده و هر برده ای را که در دست مردم باشد آزاد کرده و عوض آن ها را به صاحبانشان پرداخت می کند.(۱۴)

حکم بن نافع می گوید: حضرت مهدی علیه السلام با سفیانی می جنگد و او را نابود می کند و اوّلین پرچم را بسته به سوی ترک می فرستد.(۱۵)

اوّلین پرسش منکرین حضرت

اوّلین پرسشی که منکرین حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یک استبعاد غیر قابل تصوّر مطرح می کنند این است که چگونه ممکن است یک انسان چند قرن در عالم زندگی کند؟ اگر بگوییم رهبر دگرگون کننده آینده جهان هم اوست که در سال ۲۵۶ ه.ق متولد شده و تاکنون بیش از ۱۱۴۰ سال از عمرش می گذرد، در این صورت قائل شده ایم که یک فرد بشر، چهارده برابر عمر معمولی دیگران در دنیا زندگی کرده است. آیا این موضوع قابل تصور است که یک فرد تاکنون چهارده برابر یک انسان معمولی از هنگامی که از مادر متولد می شود تا دوران پیری و مرگ در دنیا عمر کرده و هنوز هم برای زندگی کردن در یک دوران نامعلوم آمادگی داشته باشد؟

پاسخ: هنگامی که سخن از امکان حقیقی به میان می آید این امکان در سه بعد قابل تقسیم است:

۱. امکان عملی ۲. امکان علمی

۳. امکان فلسفی و منطقی امکان عملی: عبارت است از اینکه تحقق موضوعی از نظر عملی و طبیعی ممکن باشد و آن موضوع در خارج محقق شود، مثلاً مسافرت به کره ماه در این زمان یک ممکن عملی است. بر طبق موازین

علمی و در نتیجه پیشرفت صنعت امکان دارد انسانی از روی کره زمین حرکت کند و در کره ماه بنشیند و این موضوع در دنیا هم عملی شده است، یا مثلاًـ چرخش در اطراف کره زمین و یا فرو رفتن در عمق اقیانوس ها در جهان نمونه های عملی و اجرایی دارد و اتفاق افتاده است؛ این گونه موضوعات را ممکن عملی می نامند.

امکان علمی: از اینکه موضوعی طبق فرمول های علمی ممکن باشد ولی در خارج دارای مصداق عملی نباشد مثلاً مسافرت به کره مریخ از نظر یک سلسله محاسبات تجربی و طبق فرمول های علمی مانعی از تحقق آن وجود ندارد و علت اینکه تاکنون نتوانسته اند به کره مریخ بروند به خاطر این است که مشکلات صعود به مریخ هنوز به وسیله ابزار علمی و صنعتی حل نشده است و امکان دارد روزی این مشکلات حل شود و این برنامه مورد اجرا قرار گیرد بر خلاف مثلاً صعود به قرص خورشید که این مطلب نه در عالم اتفاق افتاده و نه هم از نظر علمی امکان پذیر است، زیرا از نظر محاسبات علمی فعلاً امکان تهیه ابزار و پوششی که بتواند در برابر حرارت سطح خورشید مقاومت کند و در گرمای شش هزار درجه به صورت مایع و گاز مبدل نگردد، نیست.

امکان فلسفی و منطقی: عبارت است از حقیقتی که وجود آن در دنیا محال نباشد و هر موضوعی که تحقق آن طبق قوانین عقلی سابق بر تجربه، محال به نظر نرسد را ممکن فلسفی می گویند.

تردیدی در این نیست که طول عمر یک انسان تا هزاران سال از نظر امکان فلسفی یک موضوع ثابتی است زیرا این مطلب مستلزم یک

محـال عقلی از قبیـل تنـاقض یـا تضاد نیست تا بگوییم از نظر قوانین فلسـفی و منطقی غیر ممکن است؛ امّا از نظر امکان عملی، اگر مقصود طول عمر بشـر در این زمان، این باشد که هم چنان که ممکن است انسان به وسـیله ابزار ماشـینی و صنعتی و تنظیم فرمول هـای علمی تا قعر اقیانوس ها برود و یا بر فراز کره ماه بنشـیند، همین طور امکان داشـته باشـد با وسایل علمی، عمر یک بشـر را از هشتاد سال به هزار سال برسانند، یک چنین مطلبی در حال حاضر در دنیا اتفاق نیفتاده و این همه فئودال ها و قدرت منـدانی که مایل انـد هر چه بیش تر در عالم زنـده بمانند و صدها بلکه هزاران سال در دنیا با این قدرت عمر کنند هنوز نیروی علمی جهان نتوانسته خواسته آن ها را برآورد.

و امّـا در خصوص امکـان علمی طول عمر از نظر دنیای دانش روز مخصوصاً قواعـد و فرمول های فیزیولوژی برای امتـداد عمر یـک انسـان، هیـچ گـونه مـانع علمی بـه نظر نمی رسـد و برای اثبـات ایـن مطلب بایـد یـک مقـداری در مـورد پدیـده پیری و فرسودگی بدن که منجر به مرگ می شود از نظر قانون فیزیولوژی بررسی کرد.

بایـد روی این نکته بحث کرد که آیـا پیری و فرسودگی، یـک حالت طبیعی و یک قانون تکوینی خلقت بـدن انسان است که خواه و ناخواه بر بدن عارض می شود و آیا سـلول ها و بافت های بدن در منتهای نمو خود باید سست شوند و دچار استهلاک گردنـد؟ و خلاـصه در مسیر مسـتدام زنـدگانی جسـمانی پیری یک حالت و عارضه قطعی است که بر جسم انسان عارض می شود تا به جایی که کم کم بدن را

از کار می اندازند، حتی به طوری که اگر عوامل خارجی در ایجاد آن دخالت نداشته باشند باز هم عارض می گردد؟ یا خیر؟ مسأله پیری و فرسودگی یک عارضه غیر طبیعی است که در نتیجه نرسیدن مواد غذایی کامل و سالم به بدن و یا در اثر نفوذ میکروب ها و سموم و عوامل خارجی در جسم بر انسان عارض می شود و در نتیجه آن اعضا و جوارح بدن از کار می افتند و مرگ فرا می رسد؟

این پرسش ها در مجامع علمی دنیای امروز مطرح است، نظریات علمی دانشمندان در این مورد مختلف است، عده ای فرسودگی بدن را این چنین تفسیر می کنند که: پیری اعضای بدن محصول به هم خوردن نظم کامل بدن از نظر رسیدن مواد غذایی و تولید مثل سلول است، یا در نتیجه تأثیرات سمّی و میکروبی در اوضاع و احوال جسم، این فرسودگی به انسان دست می دهد که در نتیجه او را به چنگال مرگ دچار می کند.

بنا بر این نظر، طول عمر انسان از نظر علمی یک موضوع ممکنی است زیرا اگر فرض کنیم در تمام طول مدّت زندگی، سلول ها و بافت ها از تأثیرات خارجی از نظر استهلاک جسمی و نفوذ میکروب ها و سموم حفظ شوند و غذای سالم و کامل به آن ها برسد، هیچ گاه نباید پیری و فرسودگی به وجود بیاید، و روی این قانون طبیعی، مرگ هم نباید او را به کام خود بکشد، زیرا مفهومی جز از کار افتادن اعضاء و جوارح و فرسوده شدن قوای بدن ندارد.(۱۶)

اوّلین جنگ حضرت

لشکری که حضرت حجت علیه السلام با آن ها از مکّه خارج می شوند ۱۰ هزار نفر هستند به اندازه لشکری که پیامبر اکرم صلی الله علیه

وآله مکّه را با آن فتح کرد.

در نخستین جنگی که بین حضرت و دشمنان در می گیرد (به قولی) تمام این وسایل جنگی از کار می افتد. جنگ، دوباره بر جنگ اسب و شمشیر و نیزه و سپر برمی گردد. نخستین جنگ حضرت با «عثمان بن عنبسه» از نسل بنی امیه است، لذا به او سفیانی می گویند، یعنی از نسل بنی امیه و ابوسفیان در ارض یابسه بین مکّه و شام. این نخستین جنگی است که حضرت می کنند.(۱۷)

اوّلین دادگاه پس از ظهور

بر اساس برخی از روایات، اوّلین دادگاهی که در دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می شود، برای بررسی خون به ناحق ریخته شده حضرت محسن علیه السلام است.(۱۸)

اوّلین دعوت به مهدویت

بر اساس اعتقاد به مهدویّت بود که هنوز سده نخستین هجرت پایان نیافته دعوت به مهدویت آغاز شد و نخستین کسی که این دعوت را آغاز کرد، «مختار» پسر «ابوعبیده ثقفی» است و چنان که بعضی مورخان نوشته اند او «محمّد بن حنفیه» فرزند امیرمؤمنان علی علیه السلام را مهدی شناساند، گروهی که بعداً به «کیسانیه» معروف شدند از پذیرندگان این دعوت اند. پس از آن، افراد دیگری دعوت به مهدویّت کردند که ازجمله آنان باید محمّد فرزند حسن نواده امام مجتبی علیه السلام را نام برد. در جمعی که از علویّان و عباسیان و دیگر مردم فراهم شده بود و امام صادق علیه السلام را نیز بدان مجلس خوانده بودند حسن، پدر محمّد فرزند خود را مهدی خواند و از آن جمع خواست تا با او بیعت کنند. امام صادق علیه السلام فرمود: پسر تو مهدی نیست و هنوز هنگام ظهور مهدی نرسیده است.

اوّلین دعوی دروغ نیابت

شیخ طوسی درباره اوّلین کسی که به دروغ دعوی نیابت کرد می گوید: «اوّلین کسی که به دروغ دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان علیه السلام کرد، شخصی معروف به شریعی بود. تلعکبری می گفت: گمان دارم نام وی حسن باشد. او از اصحاب امام هادی علیه السلام و بعد از آن حضرت، از یاران امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می آمد. او اوّل کسی است که مدّعی مقامی شد که خداوند برای او قرار نداده بود و شایسته آن هم نبود. از این رو شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند و توقیعی از جانب امام زمان علیه السلام در خصوص لعن و دوری از وی صادر شد...»(۱۹)

اوّلین دوران غیبت امام

اوّلین دوران غیبت امام عصرعلیه السلام را غیبت صغری می گویند. با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری، مرحله غیبت کوتاه مدّت امام دوازدهم علیه السلام آغاز شد و تا سال ۳۲۹ هجری؛ یعنی هفتاد سال به طول انجامید. این غیبت به لحاظ اینکه از جهت زمانی محدود است، به آن غیبت صغری می گویند. این دوره نقش بسیار مهمی در ایجاد آمادگی شیعه برای پذیرش غیبت کبری داشت.

در طول غیبت صغری اگر چه امام از نظرها پنهان بود، امّا کسانی بودند که با آن حضرت در تماس بودند و سِمَت نوّاب خاص امام را داشتند؛ هر یک از شیعیان می توانستند به وسیله آنان مشکلات و مسایل خود را به عرض آن حضرت برسانند و توسط آنان پاسخ را دریافت کنند. گاهی گروهی از مردم به وسیله آن نایبان خاص به دیدار امام می رسیدند. این نایبان چهار نفرند و به نوّاب اربعه مشهورند. اسامی آن ها که

همگی از علما و بزرگان شیعه هستند به ترتیب عبارتند از:

۱. ابو عمر، عثمان بن سعید عَمْری از ۲۶۰ هجری تـا هنگام وفات که ظاهراً قبل از سال ۲۶۷ هجری بوده است. برخی وفات او را در سال ۲۶۵ هجری ذکر کرده اند.

۲. ابوجعفر، محمّدبن عثمان عَمْری (از هنگام وفات سفیر اوّل تا ۳۰۵ هجری).

۳. ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی (۳۰۵ – ۳۲۶ ه.ق).

۴. ابوالحسن، علی بن محمّد سَمَری (۳۲۶ – ۳۲۹ ه.ق).

اوّلین دیدار

اوّلین شخصی که امام عسکری علیه السلام موعود را به او نشان می دهد، حکیمه عمّه بزرگوارشان است. امام علی علیه السلام در معرفی خویش می فرمایند:

«او در حمایت و حفظ خداست و تا وقتی که خداوند اجازه دهد در پس پرده غیبت خواهد بود.

پس آن گاه که شخص من غایب شدم و از دنیا رفتم و شیعیانم را در اختلاف دیدی، پس افراد مورد اعتماد از آنان را آگاه کن. امّا بین تو و آنان، این راز پنهان باشد؛ زیرا که خداوند ولیّ خویش را از آفریدگانش پنهان خواهد کرد و از بندگان در حجاب قرار می دهد. پس او را هیچ کس نخواهد دید، تا آنکه جبرئیل مرکبش را پیش گذارد و خداوند امر انجام شده خویش را به عمل آرد.»

البته پنهان بودن و غیبت مهدی علیه السلام تا وقت ظهور امر عجیب و غریبی نیست و در بین انبیاء هم نمونه هایی دارد. پیش از او حضرت یوسف علیه السلام و موسی علیه السلام نیز غایب شده اند و مدّتی را مخفیانه زندگی کرده اند.

امام باقرعلیه السلام در روایات خویش، مشابهت قائم علیه السلام را با دیگر انبیاء کاملاً بیان کرده اند.(۲۰)

اوّلین رجعت کننده

نخستین کسی که در جریان رجعت به دنیا باز می گردد، امام حسین علیه السلام است آن هم با ۷۵ هزار تن(۲۱) امام صادق علیه السلام فرمود: «اوّلین کسی که به دنیا باز می گردد، امام حسین علیه السلام و اصحاب با وفای ایشان اند؛ آن گاه یزید و یارانش نیز برمی گردند. امام حسین علیه السلام همه آنان را می کشد، دقیقاً برای هر ضربتی یک ضربت می زند.»(۲۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «یَومَ تَرجُفُ الرَّاجِفَهُ، تَتبَعُها الرّادِفَه»(۲۳) فرمود: منظور از «راجفه» امام حسین علیه السلام و منظور از «رادفه» حضرت علی علیه السلام است(۲۴)

اوّلین رمز برای دوران غیبت

شیعیان از اوّلین غیبت حضرت مهدی و اوّلین دوران غیبت به عنوان «ناحیه مقدسه» تعبیر می کردند. و این رمزی بود که شیعیان آن را می شناختند و امام را به یکدیگر معرفی می نمودند.

«ناحیه» در لغت به معنی جانب، جهت، گوشه و کرانه زمین است و ناحیه مقدسه از القاب حضرت مهدی علیه السلام است. این تعبیر احترام آمیز، در واقع، کنایه از جایگاه مخفی حضرت مهدی علیه السلام و یا کنایه از شخص آن حضرت بوده که این اسم رمز، در زمان غیبت صغری بین شیعیان رواج داشته است.

در ایّام تقیّه هم گاهی حضرت را به این لقب می خواندند.

اوّلین رهبر و مرجع دینی دوران غیبت کبری

حسن بن علی بن عقیل عمّانی اوّلین کسی بود که رهبری و مرجعیت دینی در دوران غیبت طولانی امام مهدی را به دست گرفت. مرحوم عمّانی از نظر علما و فقهای بزرگ، مقام و منزلت بسیار والایی دارد و دانشمندان پیشین، همچون مرحوم مفید و طوسی او را ستوده اند. او در موضوع امامت، کتابی به نام «الکرّ و الفرّ» و در فقه، کتابی تحت عنوان «نیست، امّا به نظرمی رسد» نگاشت، سال هایی پیش از مرحوم مفید زیسته و رحلت کرده است، چرا که او از نظر زمان، پیش از «ابن جنید» از اساتید مرحوم مفید بوده است. به هر حال، رهبری فکری و مرجعیت دینی، شکل خاص خویش را گرفت و حلقه های درسی در بغداد تشکیل شد و سال ها سپری شد و «ستاره مفید» در بغداد درخشیدن آغاز کرد و حوزه علمیه را پی ریخت. سید محمّدمهدی بحرالعلوم درباره شخصیت بزرگ علمی مرحوم «عمّانی» می نویسد: «او نخستین کسی است که فقه را دسته بندی و تهذیب کرد و در راه

استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی آن، دست به تلاش و اجتهاد زد و در آغاز غیبت کبری، راه را برای تحقیق و تفحّص از اصول و فروع و گسترش بخشیدن به آن و بنیاد پایه های آن گشود... علما و بزرگان فقه و فقاهت، به ویژه دو شخصیت گرانقدر علم و فقه، علاّمه حلّی و محقّق حلّی و علمای پس از آن دو بزرگوار، به فرمایشات مرحوم «عمّانی» و فتواهای او و ثبت و نقل آن ها سخت بها می دادند».(۲۵)

اوّلین سپاه امام

طبق روایات، اوّلین سپاهی که حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می دهد، لشکری است که به سوی ترک ها گسیل داشته و آن ها را شکست می دهد.(۲۶)

اوّلین سخنرانی و اتمام حجّت امام در کعبه

امام هنگام ظهور از کعبه این ندا را فریاد برخواهد آورد: ای اهل عالم! هرکس می خواهد آدم و شیث را ببیند، بداند من همان آدم و شیث هستم. هر کس می خواهد نوح و پسرش سام را ببیند، بداند من همان نوح و سام هستم. هر کس می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بداند من همان ابراهیم و اسماعیل هستم. هر کس می خواهد موسی و یوشع را ببیند، بداند من همان موسی و یوشع هستم. هر کس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، بداند من همان عیسی و شمعون هستم. هر کس می خواهد محمّد و امیرالمؤمنین را ببیند، بداند من همان محمّد و علی هستم. هر کس می خواهد حسن و حسین را ببیند بداند من حسن و حسین هستم. هر کس می خواهد امامان فرزندان حسین را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار هستم. دعوت مرا بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه می خواهید، به آنچه به شما خبر داده شده و آنچه خبر داده نشده است به شما اطلاع دهم. (۲۷)

اوّلین سخن گفتن حضرت

هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام را پس از ولادت نزد پدرش بردند همین که نظرش بر پدر افتاد سلام کرد. پس حضرت او را گرفت و لبان مبارک بر دو دیده و دو گوشش گذاشت و دهانش را بوسید و سپس او را بر کف دست چپ نشانید و دست بر سر او مالید و گفت: ای فرزند! به قدرت الهی سخن بگو. پس صاحب الامر استعاذه فرمود و گفت:

«بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیم: وَ نُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُواْ فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ»(۲۸)،(۲۹)

اوّلین سفیر دروغین امام

برخی از افراد به منظور یغماگری و چپاول اموال مردم و یا احراز منصب یا پست ریاست، مقام سفارت امام مهدی علیه السلام را دستخوش ادّعای دروغین خود قرار دادند.

ابومحمّد شریعی که از اصحاب امام هادی علیه السلام و سپس از اصحاب امام عسکری علیه السلام بود، ادّعای سفارت امام عصرعلیه السلام را داشت. وی از اصحاب آن دو امام بود که منحرف شد و اوّل کسی بود که ادّعای مقامی کرد که خداوند

این مقـام را برای او قرار نـداده بود و اهلش نیز نبود. او به خـدا و حجت های خـدا دروغ بست و به آن ها نسـبت هایی داد که لایق مقام پاک آن ها نبود، از این رو شیعه از او بیزاری جست و او را مورد لعن قرار داد و از سوی امام مهدی علیه السلام نامه ای مبنی بر لعن و بیزاری از وی صادر گردید و به دنبال آن کفر و الحادش بر ملا شد.(۳۰)

اوّلین سند دعای ندبه

اوّلین فرد موثّق و مورد اعتمـاد که دعـای شـریف نـدبه را در اثر مکتوب خود از پیشوای خود، امـام جعفر صـادق علیه السـلام روایت کرده، ابوجعفر محمّدبن حسین بن بزوفری است.

بزوفری از اساتید شیخ مفید بوده است. دعای ندبه دارای مضامین عالیه ای است که عبارات زیبای آن گویای این مطلب است.

اوّلین شست و شوی بعد از تولّد حضرت مهدی علیه السلام

امام حسن عسـکری علیه السلام فرمود: ولی خدا، حجت خدا و خلیفه او بعد از من، در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ به هنگام طلوع فجر، به صـورت ختنه متولّـد گردیـد. نخسـتین کسـی که او را شسـتشو داد «رضـوان» خـازن بهشت بـود که بـا جمعی از فرشتگان مقرّب، او را با آب کوثر و سلسبیل شستشو دادند، سپس عمّه ام «حکیمه» او را شستشو داد.(۳۱)

اوّلین کتابنامه امام مهدی علیه السلام

تـاکنون کتابنـامه هـای زیـادی از سوی ارادتمنـدان حضـرت منتشـر شـده است که اوّلین آن ها با نام «کتابنامه امام مهـدی علیه السـلام» از سوی یک هیئت مذهبی در نیمه شـعبان ۱۳۹۸ هجری قمری در ۱۳۷ صـفحه پالتویی در ۳۱۳ عنوان کتـاب به چاپ رسید.

دوّمین کتابنامه توسط همین هیئت یک سال بعد با معرفی ۳۵۵ موضوع به چاپ رسید.

اوّلین شورش و کشتار قبل از ظهور

اوّلین سـرزمینی که در آن شورش و کشـتار می شود سـرزمین شام است که سه لشکر در آن با یکدیگر نبرد می کنند: اصهب، ابقع، سفیانی و این سه لشکر با یکدیگر می جنگند تا سفیانی با ابقع درگیر می شود و او را با همه سپاهیانش می کشد و سپس اصهب را از پای در می آورد.(۳۲)

در روایت دیگری آمـده است که از نشـانه های ظهور آن حضـرت، ویرانی شام به هنگام برخورد سه لشـکر در زیر پرچم های ابقع، اصهب و سفیانی است.(۳۳)

اوّلین فریاد یا مهدی

اوّلین کسـی که با فریاد «یا مهـدی» آن حضـرت را به کمک طلبیـد بانوی بزرگ اسـلام حضـرت فاطمه زهراعلیها السـلام بود.

هنگـامی که خـانه آن حضـرت به محاصـره دژخیمـان درآمـد و آنان در خانه را آتش زده و با لگـد، در نیمه سوخته به پهلوی ایشان اصابت کرد، همان لحظه فریاد «یا مهدی» را سرداد و فرزند بزرگوارش را به کمک طلبید.

درکتاب کرامات الفاطمیه آمده است:

«نگذاشـتند آب غسل پیامبرصـلی الله علیه وآله خشک شود. عمر به عـدّه ای که در اطرافش بودند دسـتور داد تا هیزم آورند و خود به آن هـا کمـک می کرد. هیزم را اطراف منزل علی علیه السـلام و فـاطمه علیها السـلام و فرزانـدانش قرار دادنـد. بعـد با صـدای بلنـد به طوری که هر که در خـانه هست بفهمـد گفت: ای علی! به خـدا قسم اگر از خانه بیرون نیایی و با خلیفه رسول خـدا ابوبکر بیعت نکنی خود و خانواده ات را آتش می زنم. حضـرت زهراعلیها السـلام فرمود: ای عمر! ما با تو کاری نداریم، عمر گفت: در را باز کن وگرنه خانه را با خودتان آتش می زنم.

حضرت زهراعلیها السلام فرمود: مگر از خدا نمی ترسی که می خواهی به خانه ام

داخل شوی؟!

کلمات مستدل و در عین حال سوزناک حضرت، در عمر تأثیری نکرد و عمر از کار خود منصرف نشد و آتش خواست و در خانه را آتش زد و با فشار در نیم سوخته را بر روی حضرت زهراعلیها السلام هُل داد که حضرت ناله ای زد...!(۳۴)

همچنین علاّمه مجلسی می فرماید:

وقتی در خانه آتش گرفت امام حسین علیه السلام پنج ساله بود و ناظر این جریان بود که عمر لگدی به در نیم سوخته زد. حضرت زهراعلیها السلام پشت در بود در کنده شد و حضرت زیر در افتاد و صدا زد ای پدر، ای رسول خدا!. امام حسین علیه السلام وقتی این منظره اسفبار را مشاهده کرد، دوان دوان آمد خدمت پدر و صدا زد: پدرجان! بلند شو مادرمان را شهید کردند(۳۵)

اوّلین کتاب به خط بریل

اوّلین کتابی که درباره امام زمان علیه السلام به خط بریل ویژه نابینایان منتشر شد «ناپیدا ولی با ما» نام دارد. این کتاب که توسط انتشارات مسجد مقدّس جمکران منتشر شده شامل زندگی نامه حضرت مهدی علیه السلام، مباحث غیبت صغری، غیبت کبری، و وظایف منتظران امّت است.

اوّلین کتاب شیعه

«اکمال الدین و اتمام النعه» اوّلین کتاب شیعه است که به دستور امام زمان علیه السلام نوشته شده است. این کتاب نوشته «علی بن حسین بن بابویه قمی» معروف به شیخ صدوق رحمه الله است.

شیخ صدوق در قم دیده به جهان گشود و نزد فقهای بزرگ و محدثان نامداری، دانش فقه و حدیث را فرا گرفت. وی پیرامون انگیزه خود از نگاشتن این کتاب چنین بیان می کند: «... شبی در خواب دیدم که خانه کعبه را طواف می کنم. به حجرالاسود که رسیدم و آن را استلام کردم، ناگاه دیدم مولی صاحب الزمان علیه السلام پهلوی در کعبه ایستاده است. سلام کردم. حضرت جواب دادند و فرمودند: چرا کتابی راجع به غیبت نمی نویسی تا ناراحتی ات برطرف شود؟ عرض کردم: یابن رسول اللَّه! من کتاب ها درباره شما نوشته ام. حضرت فرمود: نه، آن موضوعات را نمی گویم. کتابی راجع به غیبت من بنویس و غیبت پیامبران را در آن نقل کن. سپس از نظرم غایب شد. من با اضطراب از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر، به گریه و زاری پرداختم. چون صبح شد، به منظور انجام امر ولی اللَّه و حجت خدا، شروع به نوشتن این کتاب کردم».(۳۶)

اوّلین کتاب مهدویّت علمای اهل سنت

اوّلین کتابی که از طرف علمای اهل سنت در زمینه زندگی حضرت مهدی تالیف شده است کتاب «اخبار المهدی» از عبادبن یعقوب رواجنی، متوفای ۲۵۰ هجری است.

رواجنی از مشایخ بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاجم، بزاز و دیگر محدثان اهل سنت است که همگی از او روایت کرده بر وثاقت و صداقت او تاکید کرده اند. اهمّیت کتاب رواج علی در این است که این کتاب پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام تالیف شده است؛

زیرا رواج علی به سال ۲۵۰ هجری وفات کرده حضرت بقیه اللّه ارواحنا له الفداء به سال ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشوده است.

بنابر اینکه رواجنی اهل تسنن باشد، چنان که بسیاری از بزرگان بر آن تصریح کرده اند، او اوّلین عالم اهل سنت است که درباره آن حضرت کتابی مستقل نوشته است.

بعد از رواجنی، ابوالعنبس محمّد عن اسحاق عن ابی العنبس، متوفای ۲۷۵ هجری، کتابی مستقل به نام «صاحب الزمان» نوشت.

ابوالعنبس از ندیبان متوکّل و قاضی صمیری بوده و لذا به «صمیری» شهرت یافته است.(۳۷)

اوّلین کلام امام مهدی علیه السلام

چون حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند پشت خود را به کعبه تکیه دهد و سیصد و سیزده نفر از اتباع و یارانش درکنار او جمع شوند. اوّلین چیزی که به آن تکلّم نماید این آیه است:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ»(۳۸)

سپس می فرماید: منم باقی مانده خدا و خلیفه او و حجّت وی بر شما در روی زمین(۳۹)

اوّلین کوه از کوه های تهامه(۴۰)

نخستین کوه از کوه های تهامه، در یک منزلی «ینبع» و هفت منزلی مدینه است. در برخی روایات، از آن به عنوان محل زندگی مهدی علیه السلام نام برده شده است. راوی گوید: با امام صادق علیه السلام از مدینه خارج شدیم، به روحا (اطراف مدینه) که رسیدیم حضرت نگاهش را مدّت زمانی به کوهی دوخت و فرمود: این کوه «رضوی» نام دارد، خوب پناهگاهی است برای خائف «امام زمان» در غیبت صغری و کبری

صاحب مراصد الاطلاع می نویسد: رضوی کوهی است میان مکّه و مدینه در نزدیکی ینبع، دارای آب فراوان و درختان زیاد که کیسانیه می پندارند محمّد حنفیه در آنجا زنده و مقیم است.(۴۱)

در احادیث فراوانی از «رضوی» یاد شده است از جمله پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «رضوی، خدای از آن خشنود است» و نیز فرمود: «رضوی از کوه های بهشت است». امام زین العابدین علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی از آمدن جبرئیل امین در آستانه ظهور به محضر آن حضرت سخن گفته، در پایان می فرماید: «... آن گاه اسبی را که بُراق نامیده می شود به حضور ایشان می آورد. قائم بر آن سوار می شود، سپس به سوی کوه رضوی حرکت می کند.»(۴۲)

امام صادق علیه السلام نیز از گرد آمدن ارواح مؤمنان در گلستان «رضوی» سخن می گوید: «...پس روح مؤمن در گلستان

رضوی با آل محمّد صلی الله علیه وآله دیدار می کند... تا روزی که قائم اهل بیت قیام کند...»(۴۳)

اوّلین گروه زنان در محضر امام علیه السلام

اوّلین گروه از زنانی که به محضر امام زمان علیه السلام می شتابند آن هایند که در آن ایّام می زیسته اند و همانند دیگر یاران امام به هنگام ظهور در حرم امن الهی به خدمت امام می رسند. در این باره دو روایت وجود دارد:

روایت اوّل: امّ سلمه ضمن حدیثی درباره علایم ظهور از پیامبرصلی الله علیه وآله روایت کرده است که فرمود: «در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه می آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سو به یک جهت هجوم می برند به سوی او جمع می شوند تا اینکه نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد می آیند که برخی از آنان زن می باشند و بر هر جبّار و جبّارزاده ای پیروز می شوند...».

روایت دوّم: جابربن یزید جعفی ضمن حدیث مفصلی از امام باقرعلیه السلام در بیان برخی نشانه های ظهور آورده است: به خدا سوگند! سیصد و سیزده نفر می آیند که پنجاه نفر از این عدّه زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکّه کنار یکدیگر جمع خواهند شد. این است معنای آیه شریفه: «هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند زیرا او بر هر کاری توانا است.»

نکته شگفت در این دو روایت این است که می فرماید سیصد و سیزده مرد گرد می آیند که پنجاه نفر ایشان زن هستند.

دوّم آنکه: در روایتی که نام یاران بر شمرده شده است نام هیچ زنی وجود ندارد.

در پاسخ این شبهه می توان گفت: این چند نفر در زمره همان سیصد و سیزده نفر هستند؛ زیرا اولاً امام علیه السلام می فرماید: فیهم؛ یعنی در این

عده پنجاه زن وجود دارد. ثانیاً شاید تعبیر به «مردان» بدین سبب باشد که بیشتر این افراد مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عده مردان است.

سوم: اگر مقصود همراهی خارج از این عده بود امام می فرمود: «معهم» نه اینکه «فیهم» زیرا این سیصد و سیزده نفر مانند عدد اصحاب بدر شمرده شده اند و همه یاران و فرماندهان عالی رتبه و از نظر مقام و قدرت در حد بسیار بالایی هستند که برخی با ابر جا به جا می شوند و این ها بدون شک با سایر مردم آن زمان فرق بسیار دارند؛ بنابراین اگر بگوییم آن ها جزو همان سیصد و سیزده نفر هستند دارای رتبه و موقعیت ویژه می باشند و اگر در زمره یاران دیگر حضرت باشند از امتیاز کم تری برخوردارند.(۴۴)

اوّلین مالک نرجس خاتون بعد از خریداری

اینکه اوّلین مالک نرجس خاتون چه کسی بوده است سه نظریه وجود دارد:

۱. اینکه حضرت نرجس خاتون در ملک امام هادی علیه السلام داخل شد و سپس آن حضرت او را به ازدواج فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام در آورد. روایاتی هم به این موضوع اشاره دارد.(۴۵)

۲. آنکه مالک او از خانواده امام، حکیمه دختر امام هادی علیه السلام بوده است. از ظاهر برخی روایات دیگر استفاده می شود.(۴۶) زیرا حضرت هادی علیه السلام به خواهرش فرمود: «نرجس را به سوی فرزندم بفرست...»

۳. بین این دو قول مجمع شود به اینکه در ابتدا امام هادی علیه السلام کسی را فرستاده تا نرجس خاتون را برای او بخرد و بعد از خرید به خواهرش بخشیده است. و این احتمال به جهت جمع بین روایات ترجیح دارد.(۴۷)

اوّلین مدّعی مهدویّت بعد از تولد امام علیه السلام

ابومحمّد عبداللّه مهدی اوّلین مدّعی مهدویّت بعد از تولد حضرت مهدی علیه السلام بود. وی در اوّل امر زاهد و پرهیزکار بود. او معاصر مکتفی عباسی بود که در آفریقا با یهود سازش کرد. جنگ های بسیار نمود و در سال ۲۸۰ هجری مبلغان خود را به کشور مغرب فرستاد، وی در یمن ادّعای مهدویّت کرد و لقب «القائم» به خود داد و سکّه با عنوان «حجّه اللّه» ضرب کرد. در سال ۳۰۷ هجری قمری، روز جمعه خود را مهدی موعود خواند و لقب «امیرالمؤمنین» به خود داد. در آفریقا پیروان بسیاری پیدا کرد و در سال ۳۴۴ هجری قمری مُرد.

اوّلین مدّعی مهدویّت قبل از تولد امام علیه السلام

مختاربن ابوعبیده ثقفی در سال ۶۴ قمری به خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام نمود. مختار در ابتدا محمّدبن حنفیه را امام می دانست و بعداً ادّعای مهدویّت نمود و در آخر شیعه گردید. احتمال دارد به جهت پیشبرد اهداف سیاسی اش محمّد حنفیه را امام چهارم و خود را مهدی معرفی کرده باشد.(۴۸)

اوّلین مدّعی نیابت

طبق قول شیخ طوسی اوّلین کسی که به دروغ، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان علیه السلام کرد شخصی معروف به شریعی بود. ابومحمّد حسن شریعی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بود که بعدا منحرف شد(۴۹)

گفتنی است ادّعای دروغین نیابت وی در دوران نایب دوم محمّدبن عثمان بوده که محمّدبن عثمان نیز وی را رسوا کرده است.

اوّلین مرحله امامت امام

غیبت صغری، نشانگر اوّلین مرحله از امامت حضرت مهدی علیه السلام است که خداوند متعال مقدّر نمود تا در مدّتی کوتاه از عموم مردم مخفی بماند و امور شیعیان را توسط سفیران انجام دهد.

امّا اینکه غیبت صغری قبل از غیبت کبری قرار گرفت، ممکن است به این جهت باشد که عادت شیعیان در طول عمر امامت بر این بود که هر زمان اراده می کردند خدمت امام زمان علیه السلام می رسیدند و از محضر او استفاده می بردند و با غیبتی طولانی انس نداشتند، لذا برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغری تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه ای ارتباط قطع شد و مردم؛ اگرچه در ابتدا به شک و تردید و تشویش خاطر افتادند ولی بعد از مدّتی نه چندان دور، شک و تردیدها زایل شده و با مشاهده دلایل قطعی، به وجود حضرت مهدی علیه السلام یقین پیدا کردند و بعد از مدّتی کوتاه، غیبت کبری شروع شد.(۵۰)

اوّلین مطرح کننده موضوع غیبت

نخستین کسی که به غیبت امام زمان اشاره کرده رسول گرامی اسلام، سپس امیرالمومنین و سایر ائمه علیهم السلام بودند. آنان غیبت او را پیش بینی کرده و سر زبان ها انداخته اند.(۵۱)

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهدی که به او می رسد، غایب می شود... هرکس زمان غیبت را درک کرد، باید دینش را نگهداری کند و شیطان را از طریق شک در آن به خود راه ندهد...»(۵۲)

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: «آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می شود که شخص نادان خواهد گفت: خدا به آل محمّد احتیاجی ندارد»(۵۳)

مسلمانان به همین دلیل، احادیث غیبت را برای امام مهدی علیه السلام

ضروری و از جمله خصایص آن حضرت می دانستند؛ لذا بعضی ها که از مهدویّت سوء استفاده کرده و خود را مهدی موعود معرفی می کردند، مقیّد بودند که تا حدّی ویژگی غیبت را نیز برای خود ثابت کنند.

سیّد حمیری می گوید: من درباره محمّد حنفیه غلو کرده و عقیده داشتم که غایب است و تا مدّتی بر این عقیده غلط بودم تا اینکه خداوند بر من منّت نهاد و به وسیله امام صادق علیه السلام هدایت شدم و از این عقیده برگشته و توبه کردم. به هر حال مسأله غیبت آن چنان بین شیعیان شایع بود که مؤلفان بسیاری درباره آن کتاب نوشته اند. و امّا کسانی که قبل از ولادت امام زمان علیه السلام درباره غیبت کتاب نوشته اند عبارتند از: فضل بن شاذان نیشابوری (کتاب اثبات الغیبه)، ابوالحسن طائی جرمی (کتاب الغیبه)، حسن بن علی بن ابوحمزه بطائنی (کتاب الغیبه)، ابوالحسن علی بن عمر اعرج (کتاب الغیبه)، ابوعلی حسن بن محمّدبن سماعه (کتاب الغیبه)، ابوالفضل عباس بن هاشم ناشری (کتاب الغیبه)، ابوالحسن علی بن محمّد بن علی سواق (کتاب الغیبه)، ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی (کتاب الغیبه)، عبداللّه بن جعفر حمیری (کتاب الغیبه و الحیره) و (کتاب الغیبه و مسائله)، (کتاب الفتره و الغیبه)، علی بن حسن بن علی بن فضال (کتاب الغیبه و الملاحم)، حافظ نعیم بن حماد (کتاب الفتن و الملاحم)، ابراهیم بن اسحاق احمری (کتاب الغیبه) و...(۵۴)

بنابراین موضوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام امر جدید و ناشناخته ای نبوده که برخی شیعیان از قبیل عثمان بن سعید برای حفظ موقعیت خویش آن را اختراع کرده باشند.

اوّلین مکان ظهور حضرت

اوّلین مکانی که حضرت در آنجا ظهور می کند بین رکن و مقام است. سیوطی از پیامبر اکرم صلی

الله علیه وآله نقل می کنـد که آن حضـرت فرمود: «مهـدی از مدینه به سوی مکّه خروج می کند، مردم از او می خواهند که از میانشان خروج کند آن گاه با او بین رکن و مقام بیعت می کنند در حالی که کراهت دارد...»(۵۵)

شیخ طوسی هم به سند خود از امام باقرعلیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«گویا قائم را در روز عاشورا، روز شنبه، ایستاده بین رکن و مقام مشاهده می کنم...»(۵۶)

اوّلین نام مهدی موعودعلیه السلام

اوّلین کسـی که در اسلام مهدی موعود نامیده شد محمّد حنفیه فرزند حضرت علی علیه السلام است که مورد توجه خاص آن حضرت بود.

شهرتش بـه «حنفیه» از این جهت است که مـادرش «خـوله» از قـبیله «بنی حنفیه» بـود. امیرمؤمنـان علیه السـلام او را آزاد کرد و سپس به نکاح خود درآورد. حضـرت علی علیه السـلام به آن فرزند ارزشـمند علاقه ای وافر داشت و درباره او سخنان تحسین آمیزی فرموده اند.

در جنگ جمل، محمّد حنفیه موقعیت بسـیار ممتازی داشت. پرچم پیروزی در دست او بود و با شـجاعت و صلابت کم نظیری دشـمن را به عقب رانـد، صف ها را شـکست و امتحان نیکویی داد. در همین جنگ بود که از محمّـد حنفیه پرسـیدند: چگونه است که در شـرایط سـخت و هولناک پدرت تو را در کام خطر می اندازد و هرگز برادرانت حسن و حسین را در این مواقع به میدان نمی فرسـتد؟ محمّد حنفیه با تعبیر بسـیار ظریفی بیان داشت: حسن و حسـین دیدگان پر فروغ پدر هستند و من بازوی پر زور او می باشم پـدرم با دست خود از دیـدگانش محافظت می کنـد. روی این بیان تردیدی نمی ماند در اینکه «محمّد حنفیه» دقیقاً بر تمام برادرانش واقف بود و کسی نبود که به

ناحق، دعوی امامت کند. پس از شهادت امام حسین علیه السلام گروهی به امامت او گرویدند و بیش از همه «مختار» بر محوریت او تکیه می کرد و از مردم به نام او بیعت می گرفت. ولی محمّد حنفیه از کار او راضی نبود و هرگز بر این کار صحه نگذاشت. هنگامی که «ابوخالد کابلی» از جناب محمّد حنفیه پرسید: آیا امام واجب الطاعه شما هستید؟ به صراحت تمام فرمود: امام بر من، بر تو و بر همه مسلمانان علی بن الحسین است. آن گاه برای اینکه امر امامت بر همگان روشن شود با حضرت علی بن الحسین علیه السلام به گفت و گو نشست. متانت در گفتار، اعتدال در رفتار و سلوک در کردار، به ضمیمه دانش سرشار، عقل پربار و دیگر محاسن اخلاقی، موجب شد که دل ها از محبّت او پر شود و همگان حسن اعتقاد به او داشته باشند. و همین موجب شد که مختار خود را به او منتسب کند تا بتواند دل ها را به سوی خود جلب کند ولی هنگامی که او از دسیسه مختار آگاه شد از وی تبرّی جست. جناب «محمّد حنفیه» در محرم سال ۸۱ هجری در ۶۵ سالگی و در مدینه دیده از جهان فرو بست و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. در مورد مکان درگذشت او چند قول است: مدینه، طائف، ایله (بین مکّه و مدینه) و قولی هم می گوید: درگذشت او در «رضوی» و دفن او در «بقیع» است. فرقه کیسانیه، به امامت او معتقد بودند و او را پس از امیرمؤمنان و امام حسن و امام حسین علیهم السلام چهارمین امام می پنداشتند. اکثریت قاطع کیسانیه معتقدند که او نمرده

است، بلکه در کوه رضوی مخفی شده و پس از یک دوران استتار، سرانجام ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد می کند. آن ها معتقدند که «محمّد حنفیه» همان مهدی موعود است و از مکّه ظهور خواهد کرد.(۵۷)

اوّلین نامه حضرت به شیخ مفید

حضرت مهدی علیه السلام اوّلین نامه خود را به شیخ مفید در اواخر ماه صفر سال ۴۱۰ هجری نگاشته اند.

آن حضرت در بخشی از نامه خود به ایشان چنین می نویسند: «بنابراین تو – که خداوند با یاری اش تو را در برابر دشمنانی که از دین حق خارجند توفیق دهد– به آنچه که یادآوری می کنیم متوجه باش و طبق آنچه که – ان شاءاللَّه – بر تو ترسیم می نماییم عمل نموده و به کسانی که به آنان اطمینان داری برسان.

ما گرچه هم اکنون در مکانی دور از مساکن ستمگران به سر می بریم، که این نیز بر حسب مصلحتی است که خداوند متعال برای ما و شیعیان ما اندیشیده که تا زمانی که دولت دنیا در دست فاسقان است چنین باشیم، با وجود این، ما از اخبار شما به طور کامل آگاهیم و هیچ چیزی از اخبار شما از ما پنهان نیست. ما از لغزش هایی که دچار شده اید آگاهیم. از آن موقعی که بسیاری از شما به کارهایی روی آورده و متمایل شده اید که پیشینیان شایسته و صالح شما از آن دور بوده اند. افرادی از شما با گمراهی و تحیّر زندگی کرده و وعده و پیمانی که از آنان گرفته شده چنان پشت سر انداخته اند که گویی از آن خبر ندارند.

ما در رسیدگی و مراعات شما کوتاهی نکرده و یاد شما را فراموش نکرده ایم و اگر جز این بود شداید

و دشواری ها بر شما فرود آمده و دشمنان شما را نابود می کردند».

دوّمین نامه حضرت به شیخ مفید در ۲۳ ذی الحجه سال ۴۱۲ هجری نگاشته شده است.

اوّلین نایب خاص امام

عثمان بن سعید اوّلین سفیر از سفرای چهارگانه امام عصرعلیه السلام در دوران غیبت صغری است که وکالت خاصه آن حضرت را عهده دار بود. عثمان بن سعید عمری معروف و دارای کنیه ابوعمرو اسدی است و به خاطر منسوب بودن به جدّش به وی عمری گفته شده است. عدّه ای از شیعیان می گویند که امام حسن عسکری علیه السلام فرموده است: «هیچ گاه بین عثمان و ابوعمرو در یک فرد جمع نمی شود» از این رو دستور داد کنیه او را از ابوعمرو به عمری به فتح عین و سکون میم تبدیل شود، و گفته شد عَمْری.(۵۸)

اوّلین ندا قبل از ظهور

از مجموعه روایات استفاده می شود که نداهای آسمانی در آستانه ظهور متعدد و از نظر قالب و روح با هم متفاوت و زمان طنین افکندن آن ها نیز با هم فاصله دارد. اوّلین ندا در ماه رجب طنین می افکند و ندای دوم و سوم به ترتیب در ماه رمضان و ماه محرم طنین انداز می شود(۵۹)

اوّلین ندای آسمانی

از مجموع روایات استفاده می شود که نداهای آسمانی در آستانه ظهور متعدد خواهند بود و از نظر قالب و روح با یکدیگر متفاوت اند و زمان طنین افکندن آن ها نیز با هم فاصله دارد.

اوّلین ندا در ماه رجب طنین می افکند و ندای دوم و سوم به ترتیب در ماه های رمضان و محرم است.

آن ندا و خروش آسمانی که دارای اهمیّت بسیاری است و از نشانه های قطعی ظهور شمرده شده است دوّمین ندا است؛ یعنی ندایی است که در ماه رمضان همه جا شنیده می شود و این خروش آسمانی پر شکوه ترین نوید و بشارتی است که آسمانی به اهل زمین می فرستند همان گونه که بزرگ ترین هشدار و اخطار به طغیانگران و جبّارانی است که در برابر حق سر فرود نمی آورند.(۶۰)

اوّلین ندای حضرت هنگام ظهور

شعار وجود مبارک امام زمان علیه السلام هنگام ظهور، «یالَثّاراتِ الحُسین» است. اوّلین ندایی که آن حضرت سر می دهد و در عالم مطرح می کند، احیای جریان کربلا و مطرح کردن حقیقت قیام حسینی است.

اوّلین وظیفه نایبان خاص امام

اوّلین و مهم ترین وظیفه سفیران امام زمان علیه السلام از میان بردن شک در وجود آن حضرت و اثبات وجود ایشان از راه های مختلف، به ویژه از راه دریافت توقیعات آن حضرت و ارائه آن ها به شیعیان و دریافت پاسخ پرسش های آنان از امام زمان علیه السلام بوده است.

شیخ طوسی و شیخ صدوق بسیاری از توقیعات و پاسخ های امام زمان علیه السلام به پرسش های شیعیان را نقل کرده اند. در یکی از آن ها، حضرت مهدی علیه السلام ضمن پاسخ به برخی پرسش های فقهی و اعتقادی شیعیان بر خط سیر امامت و هدایت انسان و راه های بهره مند شدن مردم از پیشوایی امام زمان علیه السلام تأکید می کند.(۶۱)

از دیگر وظایف نایبان خاص، پنهان داشتن نام و محل اقامت امام زمان علیه السلام سامان بخشی به سازمان وکالت و... است.

اوّلین هدف حکومت امام

اوّلین هدف حکومت حضرت بقیهاللّه برچیده شدن بساط شرک و الحاد و برپایی مکتب توحید است. این هدف اصلی بعثت پیامبران و تشکیل دولت حقه نیز به همین دلیل است. قرآن در این زمینه می فرماید:

«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ وَبِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقِ ِلِیُظْهِرَهُ وَعَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»(۶۲)

«او خداوندی است که پیامبرش را با مشعل هدایت و دین حق برانگیخت تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند».

این آیه در سه سوره از قرآن کریم تکرار شده است و هدف از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وآله را پیروزی آیین حق بر تمام ادیان باطل جهان معرفی نموده که این هدف هنوز تحقق نیافته است بلکه در آینده ای نه چندان دور به دست با کفایت حضرت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت.

امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «این آیه تحقق پیدا نمی کند مگر اینکه قائم

قیام کند، هیچ کافر به خدا و مشرک در امامت امامان در روی زمین نمی ماند، جز اینکه ظهور او را خوش ندارند، اگر کافری در شکمِ سنگی فرو برود، آن سنگ بانگ برمی آورد: ای مؤمن! در دل من کافری است، مرا بشکن و او را بکش.(۶۳)

نابودی کفر و الحاد و شرک و نفاق، پیاده شدن توحید در سطح جهانی، گسترش عدالت اجتماعی برای همه طبقات، ریشه کن شدن جهل و بی سوادی، پیاده شدن فرهنگ اسلامی، نابودی فقر و تبعیض و... از دیگر برنامه های حکومت واحد جهانی است.

اوّلین های دیگر

اوّلین امانتی که از حضرت موسی علیه السلام به دست امام زمان علیه السلام خواهد رسید، عصای موسی علیه السلام است.

اوّلین کسی که با امام عصرعلیه السلام بیعت می کند، جبرئیل امین است.

اوّلین کسی را که امام عصرعلیه السلام می کشد، دروغ گویان شیعه هستند.(۶۴)

اوّلین آیه ای که امام هنگام ظهور تلاوت می کنند آیه ۸۶ سوره هود است.

اوّلین چیزی که از عدالت قائم ظاهر می شود، این است که منادی اعلام می کند، آنان طواف مستحبی می کنند، مطاف و حجرالاسود را برای کسانی که طواف واجب می کنند خالی کنند.(۶۵)

منابع و مآخذ

۱. اثبات الهداه، شیخ حرّ عاملی، جلد ۳.

۲. احتجاج طبرسی، ابومنصور احمد بن علی طبرسی.

۳. اسرار العقاید، جلد۲.

۴. الحاوی للفتاوی، جلد۲.

۵. العرف الوری، جلد ۲.

۶. امام مهدی از ولایت تا ظهور، سید محمّدکاظم قزوینی.

۷. انقلاب مهدی و پندارها، آیت اللّه شهید سید محمّدباقر صدر، ترجمه سیداحمد علم الهدی.

۸. با دعای ندبه در پگاه جمعه، علی اکبر مهدی پور.

۹. بحارالانوار، محمّدباقر مجلسی، جلد ۵۲.

۱۰. تاریخ تشیّع، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پاییز ۱۳۸۵.

۱۱. تجسم امید و نجات، عزیزاللّه حیدری.

۱۲. تفسیر برهان، جلد۴.

۱۳. تفسیر صافی، جلد۳.

۱۴. تفسیر عیاشی، جلد ۲.

۱۵. تواریخ النبی والآل.

۱۶. خورشید مغرب، محمّدرضا حکیمی.

۱۷. در انتظار ققنوس.

۱۸. روزگار رهایی، علی اکبر مهدی پور، ج ۲.

۱۹. زنان در حکومت امام زمان ۷، محمّد جواد طبسی.

۲۰. سیمای آفتاب، حبیب اللّه طاهری.

۲۱. عصر ظهور، علی کورانی.

۲۲. فرهنگ نامه مهدویت، خدامراد سلیمیان.

۲۳. قرآن کریم.

۲۴. کامل الزیارت.

۲۵. کرامات الفاطمیه.

۲۶. کمال الدین.

۲۷. گفتمان مهدویت، مرتضی عسگری.

۲۸. مجمع البیان، امین الاسلام طبرسی، جلد۲۷.

۲۹. منتخب الانوار، علی بن عبدالکریم نیلی.

۳۰. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، جلد ۲.

۳۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، جلد ۱.

۳۲. موعود امم، شیخ عبای الرئیس کرمانی، موسسه عصر ظهور.

۳۳. موعود شناسی و پاسخ به شبهات،

علی اصغر رضوانی.

۳۴. موعود نامه، مجتبی تونه ای.

۳۵. مهدی موعود، علی دوانی، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار.

۳۶. نامه حضرت مهدی، علی اکبر مهدی پور، جلد۱، چاپ الهادی، پاییز ۱۳۷۵.

۳۷. نورالابصار، شبلنجی.

۳۸. نورالثقلین.

گزیده ای از فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۲ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۳ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۴ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۵ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۶ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۷ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی ۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۱۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز اللَّه حیدری ۱۱ - اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۱۲ - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۱۳ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۱۴ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۱۵ - تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۱۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۱۷ - تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری ۱۸ - جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۱۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۲۰ - چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۲۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۲۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۲۳ - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۲۴ - ختم

سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۲۵ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۲۶ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۲۷ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف ۲۸ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۲۹ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی ۳۰ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی ۳۱ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۳۲ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی ۳۳ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات ۳۴ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۳۵ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۳۶ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۳۷ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی ۳۸ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی ۳۹ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی ۴۰ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۴۱ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۴۲ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۴۳ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۴۴ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۴۵ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی ۴۶ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۴۷ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۴۸ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۴۹ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری ۵۰ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۵۱ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۵۲ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۵۳

- کمال الـدین وتمام النعمه (دو جلـد) شـیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان ۵۴ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشـعار) حسـن بیاتانی ۵۵ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۵۶ - گفتمان مهـدویت آیت اللّٰه صافی گلپایگانی ۵۷ - گنجینه نور و برکت، ختم صـلوات مرحوم حسینی اردکانی ۵۸ - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی ۵۹ - مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله ۶۰ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۶۱ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی ۶۲ - منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۶۳ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۶۴ - منشور نینوا مجید حیدری فر

۶۵ - موعودشناسـی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۶۶ - مهدی علیه السـلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّٰه حیدری ۶۷ - مهدی منتظرعلیه السـلام در اندیشه اسـلامی العمیدی / محبوب القلوب ۶۸ - مهدی موعودعلیه السـلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلـد علّامه مجلسـی رحمه الله/ارومیه ای ۶۹ - مهر بیکران محمـد حسن شـاه آبادی ۷۰ - میثـاق منتظران (شـرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۷۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسـی ،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات ۷۲ - نجم الثاقب میرزا حسـین نوری رحمه الله ۷۳ - نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسـین نوری رحمه الله ۷۴ - نشـانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۷۵ - نشـانه هـای یـار و چکامه انتظار مهـدی علیزاده ۷۶ - نگاهی به مسـیحیت و پاسخ به شـبهات علی اصـغر رضوانی ۷۷ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۷۸ - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا

اکبری ۷۹ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۸۰ - وظایف منتظران واحد تحقیقات ۸۱ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۸۲ - هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۸۳ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی ۸۴ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۸۵ - ینابیع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳ ، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فریدونکنار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

پی نوشت ها

۱) کامل الزیارات، ص ۳۳۴.

۲) من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۶.

۳) منتخب الانوار، ص ۱۹۳.

۴) روزگار رهایی، جلد۱، ص ۴۵۴.

۵) خورشید مغرب، پاورقی، ص ۲۹۵.

۶) فرهنگ نامه مهدویت، ص ۶۶.

۷) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۱.

۸) همان، ج ۵۳، ص ۳۴.

۹) مهدی موعود، ص ۱۱۵۴.

۱۰) کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیّقت) تنها با خدا بیعت می نمایند و دست خدا بالای دست آن هاست؛ پس

هرکس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است و ... فتح ۱۰

۱۱) اسرارالعقاید، ج ۲، ص ۱۰۰.

۱۲) احتجاج، ص ۳۴۱.

۱۳) بحارالانوار. ج ۵۲. ۲۸۶.

۱۴) الملاحم: ۵۸، بشاره الاسلام: ۱۵۸.

۱۵) الَعرف الوری، ج ۲، ص ۷۴.

۱۶) انقلاب مهدی و پندارها، آیت اللَّه شهید سید محمّد باقر صدر، ترجمه سیداحمد علم الهدی.

۱۷) گفتمان مهدویت، مرتضی عسکری، ص ۹۷.

۱۸) روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۷۰.

۱۹) غیبت شیخ طوسی، ص ۳۹۷ و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷.

۲۰) تجسم امید و نجات، عزیزاللَّه حیدری، ص ۱۳۱.

۲۱) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹ و ۶۳ و ۱۰۶؛

تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱.

۲۲) تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ نورالثقلین.

۲۳) سوره نازعات، ۶.

۲۴) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۴.

۲۵) موعود نامه، ص ۵۰۷.

۲۶) عصر ظهور، علی کورانی، ص ۲۷.

۲۷) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹.

۲۸) منتهی الامال ج ۲: ۲۸۵.

۲۹) سوره قصص: ۵.

۳۰) الغیبه، ص ۲۴۴.

۳۱) تواریخ النبی و الآل:۳۳.

۳۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۳۳) غیبت نعمانی، ص ۱۳۳.

۳۴) کرامات الفاطمیه. ص ۱۴۲.

۳۵) بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۷.

۳۶) کمال الدین، مقدمه، انتشارات اسلامی.

۳۷) کتاب نامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱

۳۸) هود: ۸۶

۳۹) نور الابصار، ص ۱۵۵

۴۰) موعود نامه، ص ۳۶۴.

۴۱) مراصد الاطلاع علی اسماء، الامکنه و البقاع، ج ۲، ص ۶۲۰.

۴۲) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۴۳) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۷.

۴۴) زنان در حکومت امام زمان، ص ۲۰.

۴۵) بحارالانوار، ج ۵۱.

۴۶) کمال الدین، ص ۴۲۶، ۴۲۷.

۴۷) موعودشناسی، ص ۲۰۱.

۴۸) موعود امم، ص ۶۴، شیخ عباس الرئیس کرمانی.

۴۹) غیبه طوسی، ص ۳۹۷.

۵۰) موعودشناسی و پاسخ به شبهات، ص ۳۲۷- ۳۲۸.

۵۱) سیمای آفتاب، ص ۸۴.

۵۲) اثبات الهدی، ج ۶، ص ۳۸۶.

۵۳) پیشین، ص ۳۹۳.

۵۴) درانتظار ققنوس، مقدمه، ص ۱۷.

۵۵) الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۲.

۵۶) همان، ص ۱۰۲.

۵۷) با دعای ندبه در پگاه جمعه، علی اکبر مهدی پور، ص ۸۳.

۵۸) الغیبه، ص ۲۱۴.

۵۹) امام مهدی از ولایت تاظهور، ص ۵۲۱.

۶۰) امام مهدی، سید محمّدکاظم قزوینی، ص ۵۲۱.

۶۱) تاریخ تشیّع (دوره حضور امامان معصوم) ص ۳۱۹-۳۲۱، پاییز ۱۳۸۵، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اوّل.

۶۲) توبه، ۳۲، فتح، ۲۸، صف، ۹.

۶۳) کمال الدین، ص ۶۷.

۶۴) الاوائل، ص ۷۸.

۶۵) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹